

سریال کوتاه "در انتهای شب"



EPISODE 01

افقین

AT THE END OF
THE NIGHT

فیلمنت

@darentehayeshab.series

نوشتاری کوتاه بر "در انتهای شب"

مینی سریالی در ۹ قسمت

به کارگردانی آیدا پناهند

نویسندگی آیدا پناهند و ارسلان امیری

وبازیگری پارسا پیروزفر و هدی زین العابدین و...

در استوری بعد



EPISODE 01

افقین

AT THE END OF
THE NIGHT

فیلمنت

@darentehayeshab.series

احتمالاً من به مهربان بودن در نقدهایم شناخته می‌شوم اما این سریال بدون مهربانی هم سریال خوبی ست.

از موسیقی متن بگیرد تا تصویربرداری؛ آرام، نرم، با خیال آسوده و لذت بخش است و چرخش موضوع سریال در پیرامون هنر، خودش به لذت بخشی و آرای فیلم اضافه می‌کند. اما در روند داستان از این آرام بودن خیلی خبری نیست و به وضوح داستان شمارا به دفعات بهت زده می‌کند.

قطعاً در طی سریال چندین بار می‌خندید و اگر راحت‌الگریه (کلمه‌ای من در آوردی) باشید، شاید گریه را هم تجربه کنید.

قطعاً نکاتی هم در سریال هست که از نظر من نکته منفی محسوب می‌شوند، اما اگر بخواهم در حد یک استوری نقدی بنویسم، سریال نمره خوب و قابل قبولی می‌گیرد.

سریال کوتاه “Sharp Objects”



SHARP OBJECTS 2018

genre MYSTERY
directed by JEAN-MARC VALLÉE
produced by DAVID AUGE

starring AMY ADAMS PATRICIA CLARKSON CHRIS MESSINA ELIZA SCANLEN

“نوشته‌ای کوتاه بر sharp objects”

ژانر: رازآلوده

کارگردان: Jean-Marc Vallée

نویسنده: Gillian Flynn



SHARP OBJECTS 2018

genre MYSTERY
directed by JEAN-MARC VALLÉE
produced by DAVID AUGE

starring AMY ADAMS PATRICIA CLARKSON CHRIS MESSINA ELIZA SCANLEN

میشه گفت این آخرین کار این کارگردان بوده، چون بعد از ساخت این سریال، کارگردان در ۵۸ سالگی‌ش از دنیا میره. نویسنده، سال ۲۰۰۶ زمانی به همین نام نوشته بود و سال ۲۰۱۸ که این سریال ساخته میشه، در نویسندگی فیلم‌نامه این سریال هم نقش داشته و این یعنی یک اقتباس درجه داریم.



SHARP OBJECTS 2018

genre MYSTERY
directed by JEAN-MARC VALLÉE
produced by DAVID AUGE

starring AMY ADAMS PATRICIA CLARKSON CHRIS MESSINA ELIZA SCANLEN

سریال‌های کوتاه زیادی ساخته شده که بین اونا موارد خوبی هم میشه پیدا کرد، ولی sharp objects یا همون اشیاء تیز یکی از بهتریناشه. ۸ قسمت بیشتر نداره و میتونین ۸ قسمت رو بینج واج کنین البته اونقدر کشش داره که خود به خود به سمت بینج واج برین.

سریال کوتاه “Sharp Objects”



SHARP OBJECTS 2018

genre MYSTERY
directed by JEAN-MARC VALLÉE
produced by DAVID AUGE

starring AMY ADAMS PATRICIA CLARKSON CHRIS MESSINA ELIZA SCANLEN

درسته که ژانر اصلی سریال رازآلوده ولی حجم عظیمی از درام رو تجربه میکنید. چشم‌ها! چشم‌ها نقش خیلی مهمی رو تو سریال دارن و اونقدر بازیگرها از چشم‌ها خوب استفاده کردن که درصد زیادی از احساسات ترس و تنفر و انزجار و وحشت و عشق و ... رو می‌تونین توی چشم‌هاشون ببینین، بدون این که حتی دیالوگی رد و بدل بشه.



SHARP OBJECTS 2018

genre MYSTERY
directed by JEAN-MARC VALLÉE
produced by DAVID AUGE

starring AMY ADAMS PATRICIA CLARKSON CHRIS MESSINA ELIZA SCANLEN

انتهای سریال مشخصاً فک شما رو میاره پایین 😊
دقیقا قبل از اینکه تیتراژ پایانی شروع بشه، همه تصوراتون خراب میشه و در حالی که سریال تموم شده، شما تو بهت و حیرت، با دهان باز، دارین تیتراژ رو می‌بینین. البته یک تیکه کوتاه هم بین تیتراژ پایانی قسمت آخر هست که میتونه تو درک انتهایی سریال کمک‌کننده باشه براتون.
بشخصه منتظرم یکپو پیدا بکنم که باهاش ری‌واج کنم 🙏😊

پایان.

ای‌ام‌زد. 🍷

سریال کوتاه "Shogun"

SHOGUN



Stars

Hiroaki Sanada
Cosmo Jarvis
Anna Sawai

Tadanobu Asano
Takehiro Hira
Tommy Bastow

/2024

نوشتاری بر "Shōgun"

محصول آمریکا

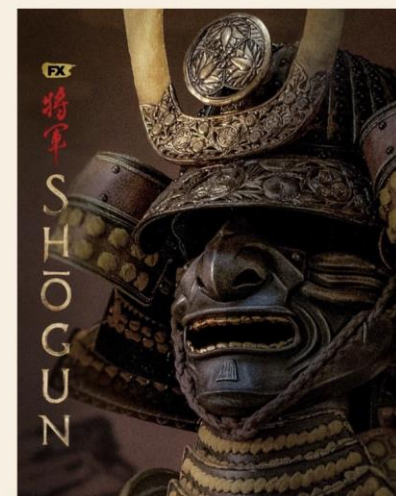
پخش از Disney+, Hulu, FX

IMDb: 8.7/10

Rotten Tomatoes: 99/100



سال ۱۹۷۵، از James Clavell کتابی منتشر شد به نام Shōgun و سال ۲۰۲۴ سریالی در یک فصل و ۱۰ قسمت منتشر شد به همین نام از روی همین کتاب.



در این سریال، به خوبی میشه حس و حال ژاپن فنودال رو درک کرد، شرایط ارباب-رعیتی که در ژاپن وجود داشت و افرادی که برای ارباب خود حاضر به هاراگیری (خودکشی توسط دریدن شکم با شمشیر/خنجر) بودن.

سریال کوتاه "Shogun"



"Hiroiyuki Sanada" در نقش "Toranaga" عالی‌ه، نقش بسیار عالی، روش نشسته و کامل میشه وزن و عمق کرکتر رو حس کرد و مشخصا در صحنه‌هایی که این بازیگر حضور داره، متوجه سنگینی حضورش میشین.

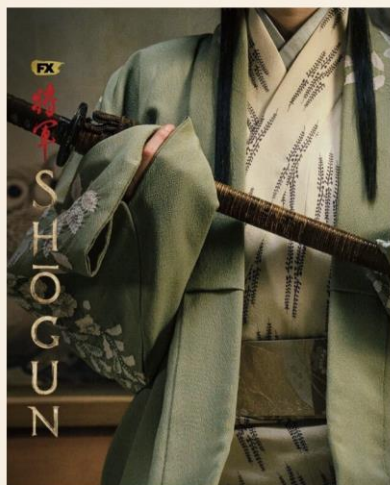


"Cosmo Jarvis" که جزء محدود بازیگرای غیر ژاپنی سریال و به نحوی نقش اصلی سریاله، با عمق صدایی که داره و اکت خوبی که در مواقع حساس داره، شما رو به خودش جذب میکنه و شاید بشه گفت خیلی جاها، کرکتر اون، خود ماها هستیم که با بهت و حیرت به اتفاقاتی که میوفته نگاه میکنیم و کم کم با فنودالیسم ژاپن آشنا میشیم.



شخصیت "Mariko" با بازی "Anna Sawai" یکی از بهترین شخصیت‌های زن تاریخ سریاله بنظرم. بدون ادا و اطوارهای هالیوودی، اینجا شاهد کرکتری هستیم که علاوه بر زنانگی‌اش، قدرت و شجاعت و جسارت را هم از او شاهد خواهیم بود و تاثیر مهم اون رو هم درک می‌کنیم.

سریال کوتاه "Shogun"



حتما شما سریال رو با زبان اصلی ببینید، ژاپنی حرف زدن کرکتهای وایب بسیار بهتری بهتون میده و تو درک حال احوال داستان خیلی خوب بهتون کمک میکنه. داستان کتاب در این یک فصل تموم میشه و اگر فصلهای آینده‌ای از این سریال قرار باشه پخش بشه، دیگه از روی کتاب نیست.



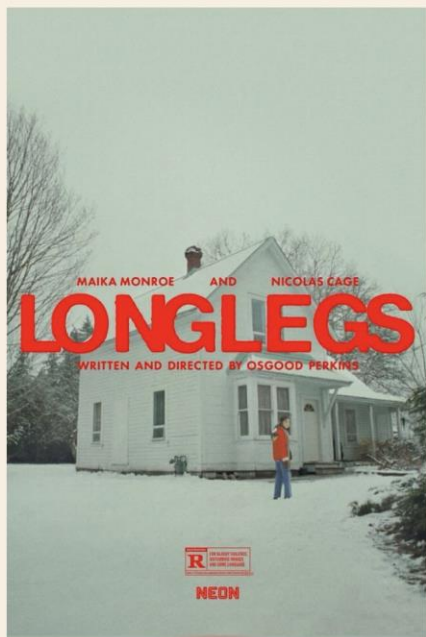
سریال با وجود اینکه ۱۰ قسمت بیشتر نیست، خیلی خوب رو مسائل عمیق میشه و شما به خوبی به کرکتهای و آینده اون‌ها اهمیت میدین. داستان در زمان‌های لزوم آرامش خوبی داره و این آرامش هم توسط کارگردان و بازیگر و فیلم‌نامه‌نویس و... به خوبی به شما منتقل میشه و به جان می‌نشین، ولی مواقعی هست که در داستان تنش ایجاد میشه و به زیبایی شاهد خشونت و خون و خون‌ریزی هستیم که اون تایم هم برای خودش عالمی داره و شما رو به وجد میاره.



از سه شخصیت اصلی سریال در چند استوری قبل صحبت کردم، ولی این سریال بیش از این شخصیت و بازیگرهای خوب داره. "Moeka Hoshi" در نقش "Fuji" و "Tadanobu Asano" در نقش "Yabushige" و "Shinnosuke Abe" در نقش "Buntaro" هم به خوبی نشون دادن که این سریال از نظر بازیگری هم از کیفیت بالایی برخورداره.

امیدوارم لذت ببرین. پایان.

فیلم “LongLegs”



نوشتاری کوتاه بر “Longlegs”

هر از چند گاهی، یک فیلم در ژانر ترسناک در سیخا خودشو معرفی میکنه، لنگدراز هم از همون فیلماس، فیلمی در ژانر وحشت / رازآلود / جنایی، با جوی مناسب برای یک سرگرمی آخر شب.



داستان یک قاتل سریالی، که خودش در قتل‌ها حضور نداره، هیچ ردی از وجودش در قتل‌ها نیست ولی به شکل وحشیانه‌ای مقتول گشته میشه.

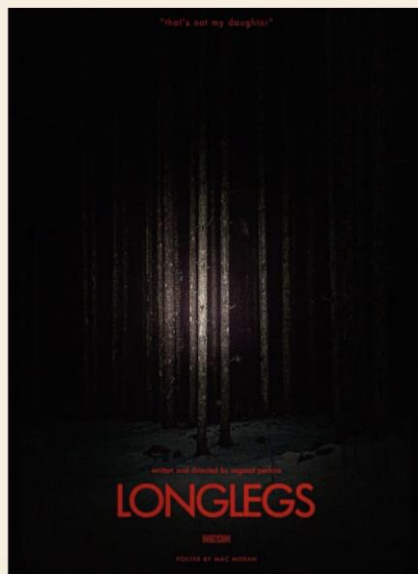
فضای فیلم از همون فیلمای ترسناک معمول سیخای امریکا تبعیت میکنه، فضای تاریک، سرد و بارونی، با ایجاد ترسهایی از جنس شیطان. قاب بندی‌های متفاوت و خوب فیلم به همراه رنگ این شات‌ها، به جذاب‌تر شدن تصویر و داستان کمک میکنه.



بازیگر نقش اول فیلم “Maika Monroe” خوب از پس نقش براومده و تونسته وزن گرگتر رو درک بکنه و همراه خودش بکشه، اکتی هم که ارزش میبینید به همون وایب مرموز و ترسناک فیلم خیلی میاد و کمک میکنه.

“Nicolas Cage” نقش خود شخصیت لنگلگز رو بازی میکنه که البته ممکنه به واسطه گریم سنگینی که روش هست از روی چهره خیلی قابل شنایی نباشه ولی از روی صداش میتونید تشخیص بدید ک خودشه.

فیلم “LongLegs”



فیلم به شما تصویر هیولا و جن و پری نشون نمیده تا شما بترسین بلکه بیشتر ترس فیلم به واسطه همون جو حاکم بر فیلم و البته حضورهای شیطان ایجاد میشه، تو این فیلم خود شیطان شخصا حضور داره و در چند سکانس در حد چند لحظه اون رو پشت سر گرگتر می بینیم.

داستان شما رو خوب همراه خودش میکشه و سوالهای متعددی رو تو ذهن تون ایجاد میکنه، ولی ی مشکلی کوچیکی که همیشه ازش گرفت اینه که در اکت سوم فیلم و به نحوی در اواخر فیلم، سریع و پشت هم به سوالها جواب داده میشه و اگر یکم در جواب دادن به پرسشهای مخاطب حوصله بیشتری خرج میشد، میتونستیم با فیلم به مراتب بهتری رو به رو باشیم.



نکته جالب در مورد کارگردان این فیلم "Oz Perkins" اینه که پسر "Anthony Perkins" بازیگر فیلم معروف "Psycho" ساخته سال ۱۹۶۰ به کارگردانی هیچکاک هست، که احتمالا صحنه معروف قتل توی حمامش رو به یاد میارید.



اگر احيانا بيماري قلبي يا روحي خاصي دارين و ممكنه تصاوير حاوي خون و خونريزي و خشونت خيلي اذيتتون بكنه، شايد اين فيلم مناسب شما نباشه و اگر نبينين بهتر باشه، ولي اگر مشكل خيلي خاصي ندارين، ديدنش لذتبخش خواهد بود.

پایان.

انیمیشن "The Wild Robot"



نوشتاری کوتاه بر انیمیشن "The Wild Robot"

چند وقتی هست که هالیوود به جای تمرکز بر تولید آثار و داستان‌های اورجینال، تمرکز روی تولید و ادامه آثاری دارد که قبلاً نسخه‌های قبلی اون رو تولید کرده و موفق بوده، مثل 2 Inside out و 4 Despicable me و Toy Story و... که اتفاقاً پر فروش هم بودن. ولی ربات وحشی جز این دسته انیمیشن‌ها نیست، داستان‌ش اورجیناله و اتفاقاً موفق هم بوده.



چیزی که در این داستان واضح، تقابل منطق و احساسه، تقابل شعور و غریزه‌س، تقابلی که شاید خیلی از ما هم باهاش مشکل داشتیم، داستان از جایی شروع میشه که یک ربات به اشتباه وارد یک جزیره میشه و شروع میکنه دنبال یک وظیفه و مسئولیت گشتن در نهایت یک مسئولیت خیلی بزرگ رو قبول میکنه؛ وظیفه "مادر بودن".

انیمیشن "The Wild Robot"



این داستان قطعا احساسات رو لمس میکنه، حتی اگر حساس تر هم باشی، امکان احساساتی شدن هم وجود داره و یهو دیدی گریه هم کردی و به فکر فرو رفتی، که البته این از نکات مثبت یک اثره که تونسته مخاطبش رو درگیر بکنه. مثل اغلب انیمیشن ها کمدی داره، صحنه های بانمک و رنگی و تازه هم داره.



دوبله بینیم یا زبون اصلی؟

بین عزیز من، اولاً انیمشین زبون اصلی هم خودش به خودی خود صدا گذاری شده و دوبله ست، پس بحث اکت بازیگر رو که ما در فیلم ها و سریال های غیر انیمیشنی داریم، تو انیمشین نداریم و شما در انیمیشن، بازی ای از بازیگر نمی بینی که نیاز داشته باشی برای بهتر منتقل شدن احساسات و مفاهیم، صدای خود بازیگر رو هم بشنوی، ثانیاً یه دوبله فارسی خوب انیمشین به شدت میتونه لذت دیدنش رو افزایش بده و ایران هم دوبله های عالی ای داره، پس در انیمیشن، دوبله گزینه بهتریه.

پایان.



نوشتاری کوتاه بر "صبحانه با زرافه‌ها"

سیخای ایران رو کم‌دی گرفته، علنا سیخا با کم‌دی هنوز رو پاست، ولی همه‌شون ارزش دیدن دارن؟ نه. اکثرشون چی؟ باز نه. شاید با دید مثبت بخوایم نگاه کنیم هر سال کلا یکی دو تا کم‌دی خوب اکران میشه، که "صبحانه با زرافه‌ها" از اون خوباشه.

فیلم "صبحانه با زرافه‌ها"



@photographer_nilofar

خیلی وقته که سروش صحت به زبان داستان سرایی مخصوص خودش رسیده، زبانی که امضای خودش شده و جهان‌بینی‌اش مخصوص خودش، صحت نیازی به اضافه‌کاری و ادا و اطوار نداره و همینکه خودش باشه اثرش دلنشین میشه، صحت در اثر جدیدش، باز هم با زبان طنز، از عشق و نفرت و بخشش و زندگی و مرگ و.... حرف میزنه، بدون اذیت کردن بیننده، بدون دست گذاشتن و پافشاری بر کلیشه.

فیلم "صبحانه با زرافه ها"



این فیلم لازمهء یک فیلم کمدی خوب که همون "پیچیدگی داستانی" و "متوالی بودن اتفاقات" باشه رو داره، تقریباً همیشه گفت جایی از فیلم نیست که داستان آفت بکته، مثل آثار قبلی سروش صحت یعنی "جهان با من برقص" و "مگه تموم عمر چنتا بهاره؟" این فیلم هم لوکیشن های خوب و رنگ و لعاب خوبی داره و به همین واسطه انرژی اش بالاست.



بازیگرها مناسب گرکترها هستن و پردازش شخصیت ها مناسبه. کادر بازیگری هم که نیازی به تعریف و تجید نداره، البته که شاید در کل نقش ها رو نشه نقش های چالش برانگیزی برای بازیگرها دونست ولی شیمی بین شخصیت ها خوب ایجاد شده و چفت و بست خوبی داره.



فیلم ممکنه شما رو یاد تریلوژی "Hangover" از تاد فیلیپس بندازه، مخصوصاً قسمت اولش، ولی شباهت داستان به طوری نیست که بخوایم بهش برچسب کی بزنین و مشخصاً خط داستانی و وقایع دوتا فیلم با هم متفاوتن.

فیلم "صبحانه با زرافه ها"



بخوایم رو راست باشیم، پایان فیلم بسته نشد، البته که من شخصا موافق این نیستم که یک فیلم الزاما نیاز به یک پایان دارد، بنظر من فیلم یک روایت داستان و مشارکت در یک دنیاست که بیننده از یک جایی از داستان وارد میشه و از یک جایی خارج میشه باید از همین تایمی که در داستان هست لذت ببرد، اما خب برای مخاطباتی که پایان فیلم رو لازم میدونن، این فیلم پایان کاملی نداره و با یک پایان شاید بشه گفت مفهومی و ناواضح برای عموم مخاطبان توم میشه، ولی برای منی که از پایه طرفدار سروش صحت هستم و حتی یک پاراگراف چندخطی صحت هم برام جذابه، فیلم لذت بخشی بود.



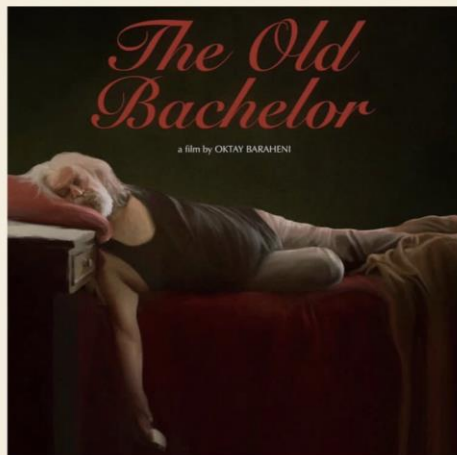
فیلم مناسب کودکان نیست، به دو دلیل، یکی اینکه محتوی فیلم حول محور موضوعی می چرخه که مناسب سن کودک نیست، دوما اینکه بچه ممکنه با دیدن فیلم، حوصلهش سر بره شروع بکنه به چرخ زدن تو سالن سینما و بره رو اعصاب باقی تماشاگرا، پس بچه با خودتون نبرین.



از اکران فیلم هنوز ۱۰ روز نگذشته و تا الان هم مخاطب های زیادی رو به سینما کشونده که یک دلیلش خاطره خوب مردم از آثار تلویزیونی و سینمایی خود سروش صحت هست و دلیل دیگه هم پرستاره بودن فیلم. این فیلم مثل فیلم قبلی صحت ممکنه دو گروه مختلف تماشاگر رو داشته باشه، اونایی که خوششون اومده و اونایی که راضی نبودن، که شاید بشه گفت این تجربه رو در "جهان با من برقص" هم داشتیم. حالا اینکه شما دوسش دارین یا ندارین رو خود دانید.... ولی امیدوارم لذت ببرید.

پایان.

فیلم "پیرپسر"



نوشتاری کوتاه بر "پیر پسر"

صفحه جدیدی در سیخای ایران یا
تکرار کلیشه‌های قدیمی؟



"پیر پسر"، دومین فیلم بلند "اُکتای براهنی" که نویسندگی و کارگردانی اون رو بر عهده داشته. فیلمی که با وجود نقاط قوت و ضعفش، تونسته مورد رضایت مخاطب‌هاش باشه و با وجود زمان طولانی فیلم که بالای سه ساعته، حداقل برای من خسته کننده نبود.



از نقاط قوتش شروع میکنم، فیلم در نحوه روایت و انسجام روایت توانا بوده، گویا جناب "براهنی" از آثار مهم ادبیات الهام گرفته برای نوشتن داستان از جمله شاهنامه و چند اثر دیگه این خودش نکته مثبتی برای فیلمه کمک کرده به انسجام فیلم‌نامه.

فیلم "پیرپسر"



پالت رنگی فیلم به فضای داستان میخوره، شات‌های مناسبی گرفته شده و حتی تابلوهای روی دیوار هم تونسته به روایت داستان کمک بکنه، مشخصه که کارگردان حواسش به جزئیات هم بوده و به لطف فیلم‌برداری و زاویه خوب، این جزئیات از چشم بیننده هم پنهون نمی‌مونه.



بازی‌ها واقعا خوبه، مشکل خاصی همیشه به بازیگرا گرفت، "حسن پورشیرازی" درخشانه و حقش سیمرغ جشنواره بوده بنظرم، البته که جناب "پورشیرازی" از همان نقش‌های ابتدایی مثل "آقا یدالله" در "مهمان مامان" تا به امروز قدرت بازیگری خودش رو نشون داده ولی "پیر پسر" نقطه اوجی بود و فیلمی بود که بازی این بازیگر در این نقش در سیخای ایران ماندگار خواهد شد.



حامد بهداد، لیلا حاتمی، محمد ولی‌زادگان و محمدرضا داوودنژاد بازیگران دیگه این داستان هستن که وجود و بازیشون تونسته به بهتر شدن فیلم کمک بکنه.

حامد بهداد در شخصیت "علی" تلاش میکنه یک فرد با گهن الگوی "خوب" رو بازی بکنه، کسی که سعی میکنه با مشکلات کنار بیاد و به جای تصمیم‌گیری‌های احساسی و لحظه‌ای، راه درست رو انتخاب بکنه و تا حد امکان خودش رو وارد درگیری و خشونت نکنه و درواقع شخصیت "علی" از لحاظ رفتاری مقابل شخصیت "غلام" با بازی "حسن پورشیرازی" قرار داره و این تضاد در روند داستان هم به وضوح مشاهده میشه.

فیلم "پیرپسر"



فیلم بدون ضعف و ایراد نیست، بعضی جاها منطق دیالوگ‌ها رو نمی‌فهمیدم، اینکه فلان دیالوگ چرا باید در اون موقعیت گفته بشه برام سوال بود، مثلا در اولین دفعه‌ای که هر چهار کرکتر رو دور میز شام در خونه "رنا" با بازی "لیلا حاتمی" می‌بینیم، حرف‌هایی زده میشه و چیزهایی گفته میشه که برای اولین دیدار نزدیک و رسمی و چند نفره مناسب نبود، بهتر بود که در چند صحنه جلوتر بعد از آشنایی بیشتر شخصیت‌ها با هم این موضوعات اشاره میشد.

یا مثلا بعضی تاکیدها بنظم دیگه بیش از حد بود، اینکه شخصیت "رنا" فردیه که از لحاظ ظاهری مردهای زیادی رو به خودش جذب میکنه رو با یکی دوتا اشاره میشه به مخاطب فهموند، اینکه در یک صحنه در هنگام گذشتن از پیاده‌رو و خیابون چنتا مرد پشت سر هم برگردن و به شخصیت نگاه بکنن و تیکه بندازن، تاکید اضافی‌ای بر این موضوع بود که برای من اون لحظه رو مصنوعی جلوه داد.



از نظر محتوا، چند مدتی هست در سیخای ایران شاهد تصاویری نامناسب از "پدر" بودیم، از "برادران لیلا" تا همین "پیر پسر". منکر این نیست که در جهانی که در اون زندگی می‌کنیم قطعا پدران و مادرانی بودن که به فرزندان خود بدی کردن و به اونها ظلم کردن و حتی منکر اینکه در جهان قصه هر اتفاقی میتونه رخ بده و از هر شخصیتی هر رفتاری ممکنه سر بزنه هم نیست، ولی اگر اینگونه شخصیت‌ها در سیخا و داستان‌ها بیشتر و بیشتر بشه و به نحوی از حالت داستانی خارج بشه و تبدیل به یک کلیشه و حتی تبدیل به یک باور بشه، اونجاست که نگران کننده‌ست و اثرات اجتماعی نامناسبی ممکنه در جامعه و خانواده بذاره.

در کل سیخای ایران از لحاظ تکنیک و هنر رو به پیشرفته ولی از نظر محتوی اونقدر پیشرفت نداشته و می‌تونسته بسیار جلوتر از این باشه، چه در فیلم‌های کم‌دی که بعضا سخیف و بی‌ارزش شدن و چه درام.



همچنین هم‌نظوری که هم در پوستر فیلم و هم در ابتدای فیلم عنوان میشه، فیلم برای زیر ۱۸ سال مناسب نیست و دل‌پش هم مشخصا صحنه‌های زیادی از مصرف مواد و الکل تا خشونت‌های جسمی و صحبت‌ها و اشاره‌های جنسی هستش. دیدنش خیلی برام در اولویت نبود و عجله‌ای نداشتم که زودتر برم و ببیخشم، ولی چند ساعت مونده به شروع سانس، بلیتش رو گرفتم و تنهایی فیلم رو دیدم و حقیقتا برام تجربه جالبی بود و خوشحالم از انتخاب این فیلم.

امیدوارم مفید بوده باشه.

پایان.